

فرآیند دولت‌سازی نبوی در سوره‌های مکی مبتنی بر تفسیر تنزیلی

سیاست متعالیه

- سال ششم
- شماره بیست‌ویکم
- تابستان ۹۷

فرآیند دولت‌سازی
نبوی در سوره‌های
مکی مبتنی بر
تفسیر تنزیلی
(۷ تا ۲۴)

غلامرضا بهروزی‌لک*، محمدرضا رنجبر**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۲۸

تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۳/۳

چکیده

مسأله‌ی اصلی مقاله حاضر، بررسی چستی فرآیند دولت‌سازی نبوی در سوره‌های مکی است و برای احراز این امر از چارچوب روشی تفسیر تنزیلی بهره برده است؛ زیرا این سبک تفسیری به سیر نزولی قرآن تأکید می‌کند و لذا به‌خوبی می‌تواند فرآیند دولت‌سازی نبوی را تبیین نماید. فرآیندهای دولت‌سازی بر مؤلفه‌ها و عناصر عام و خاصی استوارند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: ایده‌سازی، جمعیت، سرزمین، قانون و نهادسازی؛ آموزه‌های برآمده از سوره‌های مکی قرآن کریم، اولین عنصر عام دولت‌سازی، یعنی ایده‌سازی را تبیین می‌کند و مبانی اندیشه‌ای دولت‌سازی نبوی را ترسیم می‌نماید. این نوشته معتقد است که همین مطلب زمینه‌ی تحقق سایر عناصر دولت‌سازی نبوی را فراهم آورده و مرحله‌ی تأسیس و تثبیت دولت‌سازی را در مدینه رقم زده است.

واژه‌های کلیدی:

سور مکی، فرآیند دولت‌سازی، دولت نبوی، تفسیر تنزیلی، ایده‌سازی.

* دانشیار دانشگاه باقرالعلوم (ع) (نویسنده مسئول) و عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه

(behroozlak@gmail.com)

** استادیار دانشگاه پیام نور، دانش‌آموخته دانشگاه باقرالعلوم (ع) و عضو انجمن مطالعات

سیاسی حوزه (mrranjbar6@gmail.com).

مقدمه

یکی از محورهای قرآن کریم، تبیین مسیر دولت‌سازی پیامبر اکرم (ص) است. برای فهم قرآن کریم لازم است که از روش‌های تفسیری استفاده نماییم؛ یکی از روش‌های تفسیری که می‌تواند به‌خوبی ما را به مقصد برساند، تفسیر تنزیلی است. این سبک تفسیری برخلاف تفاسیر ترتیبی، نگاه ویژه و معناداری به فرآیند تنزیل قرآن کریم دارد. سوال اصلی مقاله این است که: فرآیند دولت‌سازی نبوی براساس تفسیر تنزیلی سوره‌های مکی قرآن کریم چیست؟ با توجه به این که تفسیر تنزیلی درصدد کشف منطق درونی فرآیند دولت‌سازی نبوی در سوره‌های مکی است، شایسته است که همگام با قرآن و با پرهیز از پیش‌داوری و فرضیه‌سازی، صرفاً بر تحلیل فرآیندهای مطرح در قرآن تمرکز شود.

مفاهیم پژوهش

دولت‌سازی

قدمت دولت‌سازی «به حدود ۶۰۰۰ تا ۸۰۰۰ سال قبل از میلاد برمی‌گردد» (حاتمی، ۱۳۹۰: ۹). این عمل، نتیجه‌ی فرآیندهای مختلف دینی، ایدئولوژیک، زیست‌شناختی، اقتصادی و جامعه‌شناختی است. به‌همین دلیل دولت‌ها، ایده‌ها و اهداف خاصی را برای تأسیس مطرح می‌کنند؛ سپس در دوران تثبیت به‌دنبال تحقق اهداف ازپیش‌تعیین‌شده می‌روند. بدین ترتیب دولت‌سازی فرآیندی است که منجر به ساخت ظرفیت‌های ملی، سیاسی و نهادی می‌شود. در گذر تاریخ، دولت‌سازی‌ها از گونه‌های مختلفی برخوردار بوده‌اند که مهم‌ترین آن عبارت‌اند از: دولت قبیله، دولت امپراتور، دولت شهر، دولت ملت و دولت امت.

مؤلفه و عناصر عام دولت‌سازی

۱. ایده‌سازی

منظور از ایده‌سازی، جهان‌بینی است که مسائل کلانی چون هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی را دربر می‌گیرد. بنابراین معیارها و تفاوت‌های هنجاری در وهله اول، عامل مهمی در شکل‌گیری شخصیت افراد و اجتماع، و سپس فرآیند شکل‌گیری دولت‌سازی است. براین اساس می‌توان معیارها و ایده‌ها

را به‌عنوان مبانی نظری و تئوریک هر دولت‌سازی‌ای به‌شمار آورد. این مؤلفه شامل موارد زیر می‌شود:

الف: فرهنگ‌سازی

هر دولت‌سازی‌ای جهت تأسیس، تثبیت، استمرار و حتی مشروعیت خویش، نیازمند فرهنگ‌سازی بر مبنای معیارها و ارزش‌های گفتمانی خویش است. پشتیبانی از فرهنگ‌سازی توسط نظام‌های سیاسی و هدایت جامعه به‌سوی ارزش‌ها و معیارهای فرهنگی مدنظر را باید در همین راستا نگریست.

ب: مشروعیت سیاسی

مشروعیت سیاسی، متأثر از معیارها و باورهای حاکم‌بر هر جامعه‌ای است؛ در غیر این صورت، دولت‌سازی با چالش‌های زیادی مواجه خواهد شد. از این رو مشروعیت سیاسی به‌معنی «هماهنگ‌بودن چگونگی به‌قدرت رسیدن رهبران و زمام‌داران، با نظریه‌ها و باورهای اکثریت مردم جامعه است؛ نتیجه‌ی این باور پذیرش حق فرمان‌دادن برای رهبران و وظیفه‌ی فرمان‌بری برای اعضای جامعه یا شهروندان است» (ابوالحمد، ۱۳۷: ۱۲۶). بدین ترتیب پیروی از قدرت و سازمان‌های سیاسی تبدیل به یک عمل هنجاری و منطقی می‌گردد. از این رو «هر حکم‌رانی که بتواند در محدوده‌ی ارضی معین به‌منظور اجرای مقررات خویش، دعوی انحصاری استفاده‌ی مشروع از زور را با موفقیت به کرسی بنشاند، حکومت خوانده می‌شود» (دال، ۱۳۶۴: ۲۰). منشأ مشروعیت سیاسی، یا الهی است و یا غیرالهی؛ از دیدگاه اسلام، مشروعیت‌های غیرالهی، مشروعیتی طاغوتی است.

ج: تشریح قوانین و احکام

هدف از قانون‌گذاری، رتق و فتق امور جامعه‌ی بشری در هر دولت‌سازی است. از طرفی، یکی از مهم‌ترین منابع قانون، پیش‌فرض‌ها و معیارهای ارزشی و هنجاری هر جامعه است؛ زیرا قوانین و «حقوق هر جامعه، نماینده‌ی مدنیت و اخلاق خاص مردم آن [جامعه] است و هیچ قانون‌گذاری نمی‌تواند بدون توجه به این عناصر، قانون وضع کند» (کاتوزیان، ۱۳۷۳: ۷). «در اسلام، پس از پذیرش اصل اول که اصل نیازمندی جامعه به قانون است، اصل دوم که دین به‌عنوان منبع قانون است، پذیرفته شده است» (رحیمی، ۱۳۹۳: ۱۴۳).

سیاست متعالیه

- سال ششم
- شماره بیست‌ویکم
- تابستان ۹۷

فرآیند دولت‌سازی
نبوی در سوره‌های
مکی مبتنی بر
تفسیر تنزیلی
(۷ تا ۲۴)

۲. جمعیت یا مردم

نقش مردم در پدیده‌ی دولت‌سازی و ادامه‌ی حیات آن بسیار مهم است؛ به‌همین دلیل به ذکر موضوعات مهم و مرتبط با بحث مردم، به‌عنوان شاخصه‌ها و عناصر دولت‌سازی می‌پردازیم که عبارت‌اند از: «انسجام و یک‌پارچگی»، «نیروهای موافق و مخالف دولت‌سازی» در دولت نبوی؛ این عنصر در دوران مدنی محقق شد.

۳. قلمرو یا سرزمین

در هر دولت‌سازی‌ای، جهت تأسیس و تثبیت موقعیت دولت، عنصر سرزمین مورد نیاز است. در فرآیند دولت‌سازی نبوی نیز، عنصر سرزمین با هجرت به مدینه محقق گردید.

۴. نهادسازی

نهادها به‌منظور اجرای قوانین و نظارت بر حسن اجرای آن در هر نظام سیاسی‌ای مورد نیاز است. بنابراین در هر دولت‌سازی‌ای، نهادها در ابتدا به دو دسته‌ی فرادست و فرودست تقسیم می‌شوند. نهادی که در رأس هرم قدرت در دولت قرار می‌گیرد، نهاد حاکمیت یا فرادست است؛ سایر نهادها که در سلسله‌مراتب قاعده‌های این هرم قرار دارند، نهادهای فرودست می‌باشند. این مؤلفه نیز در دوران مدنی تحقق یافت.

روش‌شناسی پژوهش: تفسیر تنزیلی موضوعی

روش "تفسیر تنزیلی" به انسجام مجموعه‌ی آیات هر سوره، معناداری روابط ظاهر و پنهان آیات درونی سوره، و سیاق و تناسب میان آن‌ها توجه ویژه دارد و از کنار موارد به‌ظاهر غیرمتناسب به‌سادگی نمی‌گذرد. افزون بر این، در تفسیر تنزیلی کوشش بر آن است که از ارتباط و تناسب معنادار میان سوره‌ها (در ترتیب طبیعی نزول) یا سیاق سوره‌های نازل‌شده (در یک قطعه‌ی زمانی) برای فهم مراد خدای حکیم بهره‌گیری.

این نگاه تفسیری، برخی از ابعاد جدید معنایی قرآن را در اختیار قرآن‌پژوهان می‌گذارد. از پژوهش‌گران برجسته‌ی این عرصه، عبدالکریم بهجت‌پور بوده و

نوشته حاضر نیز، مبتنی بر نگاه تفسیری ایشان صورت پذیرفته است. تفسیر تنزیلی دو رویکرد دارد: تفسیر تنزیلی ترتیبی و تفسیر تنزیلی موضوعی. قواعد تفسیر تنزیلی ترتیبی عبارتند از:

۱. روش کشف انسجام سوره‌ها، فهم سوره، ضابطه‌ی فهم منطق سوره؛

۲. روش کشف ارتباط و تناسب آیات و سوره‌ها در ترتیب نزول؛

۳. تفسیر دقیق‌تر قرآن به قرآن؛

۴. دسته‌بندی روایات مرتبط با قرآن؛

۵. بهره‌گیری از روایات اسباب نزول؛

۶. دستیابی به جدول ترتیب نزول سوره‌ها (بهجت‌پور، ۱۳۹۲: ۲۸).

تفسیر تنزیلی موضوعی، پس از پایان قاعده‌ی ششم آغاز می‌شود. از جمله‌ی اهداف این روش، بررسی سیر تطور و شکل‌گیری موضوع در بستر نزول است؛ بدین‌صورت که مفسر به‌جای چینش آیات مربوط به یک موضوع بر اساس نظم مورد نظر خود، آن‌ها را به‌ترتیب چینش الهی در هنگام نزول مورد بررسی و پژوهش قرار می‌دهد تا از این رهگذر، نکات تربیتی، تاریخی و روش‌شناسانه را پیرامون دیدگاه قرآن درباره‌ی یک موضوع به‌دست آورد.

استفاده از این روش، دستاوردهای فراوانی دارد. از جمله آن که با بررسی یک موضوع به‌ترتیب نزول، می‌توان به روش نهادینه کردن ارزش‌های دینی در جامعه پی برد؛ امری که با تفسیر موضوعی - به روش‌های رایج - در بیش‌تر موارد مقدور و میسر نمی‌باشد. برای مثال؛ کسانی که آیات مربوط به انفاق را به روش تفسیر موضوعی در قرآن بررسی کرده‌اند، به‌عناوینی هم‌چون اهمیت انفاق، انواع انفاق، موارد مصرف و موانع آن اشاره کرده‌اند؛ اما به این پرسش پاسخ نداده‌اند که چگونه و با طی چه مراحل می‌توان رفتار افراد را در رابطه با انفاق تغییر داد و آن را به یک خصلت اخلاقی ثابت درآورد؟ همین پرسش درباره‌ی نماز، خدا‌باوری، آخرت‌ترسی و سایر ارزش‌های دینی نیز مطرح است. اما با مطالعه‌ی روشمند قرآن به‌ترتیب نزول، می‌توان به این پرسش‌ها پاسخ گفت و فرآیندی که طی آن ارزشی مانند انفاق به رفتاری اجتماعی تبدیل می‌شود را ترسیم نمود (خامه‌گر، ۱۳۸۹: ۲۴۲).

الگوی تحلیل تفسیر تنزیلی موضوعی

تفسیر تنزیلی موضوعی، ترکیبی از تفسیر به حسب نزول و پیگیری موضوع همگام با نزول سوره‌های قرآن است. یکی از راه‌های دستیابی به چینش سوره‌های قرآن کریم به ترتیب نزول، استفاده از روایات است. از همه‌ی روایات مذکور «تنها یک سند وجود دارد که تمام راویان آن معروف و موثق هستند و آن، روایت عطای خراسانی از ابن عباس است» (نکونام، ۱۳۸۰: ۱۳۵). بر این اساس، ترتیب سوره‌های مکی «طبق روایت ابن عباس و تکمیل آن مطابق روایت جابر بن زید، با تصحیح از روی نسخه‌های متعدد قابل اعتماد» (معرفت، ۱۳۸۷: ۸۸) عبارت است از:

«علق، قلم، مزمل، مدثر، حمد، مسد، تکویر، اعلی، لیل، فجر، ضحی، انشراح، عصر، عادیات، کوثر، تکاثر، ماعون، کافرون، فیل، فلق، ناس، توحید، نجم، عبس، قدر، شمس، بروج، تین، قریش، قارعه، قیامت، همزه، مرسلات، ق، بلد، طارق، قمر، ص، اعراف، جن، یس، فرقان، فاطر، مریم، طه، واقعه، شعراء، نمل، قصص، اسراء، یونس، هود، یوسف، حجر، انعام، صافات، لقمان، سبأ، زمر، مؤمن (غافر)، فصلت، شوری، زحرف، دخان، جائیه، احقاف، ذاریات، غاشیة، کهف، نحل، نوح، ابراهیم، انبیاء، مؤمنون، سجده، طور، ملک، حاقه، معارج، نبأ، نازعات، انفطار، انشقاق، روم، عنکبوت، مطففین» (معرفت، ۱۳۷۷: ۷۳).

کاربست تفسیر تنزیلی موضوعی در مقاله حاضر

پس از دستیابی به ترتیب نزول سوره، به فرآیند دولت‌سازی نبوی در سوره‌های مکی می‌پردازیم. سیر حرکت ما در این مقاله، گاهی میان سوره‌ای و گاهی درون سوره‌ای است؛ به این معنا که در این روش، مفسر هم به انسجام درون سوره‌ها و هم به انسجام میان سوره‌ها نظر دارد تا بدین وسیله به منطق و محور اصلی قرآن کریم و ارتباط آن با موضوع، دست‌رسی پیدا کند. با توجه به این که در روش تفسیر تنزیلی، نخستین قدم، کشف انسجام درونی یک سوره می‌باشد، و بر این اساس سوره‌های قرآن کریم نیز دارای ایده‌های محوری و حاشیه‌ای هستند، پس از طی مراحل شش‌گانه و رسیدن به جدول ترتیب نزولی سوره‌ها، موضوع مورد بررسی را بر اساس ترتیب نزول سوره‌ها بررسی می‌کنیم. خلاصه‌ی مراحل تفسیر تنزیلی موضوعی عبارت است از:

۱. شناسایی جدول ترتیب نزولی سوره‌های قرآن کریم براساس تحقیقات سابق.
۲. شناسایی منطق درونی نخستین سوره و کشف محورهای اصلی و فرعی و جایگاه و ارتباط موضوع مورد مطالعه با آن‌ها.

جهت دستیابی به محور اساسی در هر سوره نیز نیازمند تمهیدات زیر هستیم:
الف. مطالعه‌ی دقیق آیات و پیوندهای ابتدایی میان آن‌ها و توجه به آغاز و

فرجام سوره؛

ب. حاصل این مطالعه و تدبر در سوره، جستجوگر را به چند موضوع متنوع می‌رساند.

ج. در مرحله‌ی بعد، باید به مطالعه‌ی تفصیلی این موضوعات پرداخت تا موضوع محوری و اصلی سوره - که بخش‌های دیگر سوره در توضیح و تشریح و شبهه‌زدایی از آن هستند - معلوم شود.

د. پس از این مرحله، زمینه‌ی کشف غرض و مقصود سوره فراهم می‌شود (بهجت‌پور، ۱۳۹۲: ۲۱۸). موضوع مورد بررسی در سور، ممکن است در محور اصلی یا در محورهای حاشیه‌ای باشد.

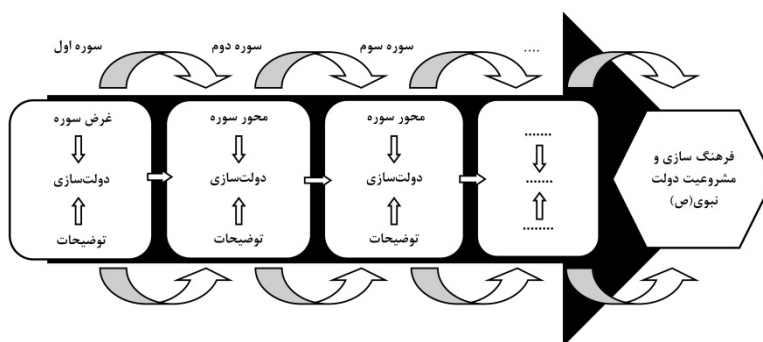
۳. شناسایی ارتباط موضوع با آیات و ترتیب نزول آیات در داخل سوره؛

۴. ردیابی پیوستار مطالب مطرح‌شده در سوره‌های مختلف بر اساس ترتیب نزول (در صورت لزوم با دوره‌بندی تنزیل قرآن کریم بر اساس زمان یا نقاط عطف و مهم)؛

۵. تبیین و تنظیم مطالب بدست‌آمده و ارائه نظریه‌ی تفسیر تنزیلی موضوعی.

نمودار: روش تفسیر تنزیلی موضوعی

در تحلیل فرآیند دولت‌سازی نبوی (ص) در سوره‌های مکی



تبیین فرآیند دولت‌سازی نبوی در سوره‌های مکی قرآن کریم

برخی مستشرقان «اسلام اولیه را که در قالب سوره‌های مکی بیان شده است، عاری از اندیشه‌ی سیاسی و بالتبع مباحث مربوط به دولت‌سازی نبوی دانسته و بر این باورند که اسلام در پی تحولاتی که پس از هجرت نبوی رخ داد، وارد عرصه‌ی سیاست شد» (تیجانی، ۱۳۸۹: ۲۹)؛ در حالی که این ادعا مردود بوده و باید گفت «دلایل و نشانه‌های زیادی از تفکر و رفتار سیاسی پیامبر(ص) در سوره‌های مکی وجود دارد» (فرازی، ۱۳۹۰: ۴۹).

بنابراین باید اذعان کرد که پیامبر اکرم(ص) و مسلمانان، اگرچه در مکه نتوانستند دولت به معنای تام را بنا کنند، اما با تبیین ایده‌ها، به‌عنوان مبانی اندیشه‌ای دولت نبوی، به تخریب پایه‌های نظام مشرکانه‌ی طاغوتی پرداخته و بدین ترتیب زمینه‌ی تأسیس و تثبیت دولت نبوی را در دوران مدنی فراهم آوردند. قرآن کریم نیز جهت نیل به این مقصود، به دنبال ایجاد تحول فکری و فرهنگی بر مبنای حاکمیت الهی و نفی طاغوت است. به‌طور کلی می‌توان گفت در سوره‌های مکی، محورهایی چون: «الله، خلق و انسان» (العوانی، ۱۹۹۹: ۶۳) مباحثی هستند که جهت بسترسازی و بیان اصول بنیادی دولت نبوی به کار رفته‌اند. به این ترتیب پیامبر اکرم(ص) به تدریج، مامور به تغییر و تحول در هنجارها و اندیشه‌ی جامعه می‌شود تا از این رهگذر، دولت‌سازی نبوی شکل گیرد. در سرآغاز این سیر تحول، سوره‌های مکی قرار دارند و موضوعاتی هم‌چون موارد زیر را مورد توجه قرار داده‌اند:

۱. تبیین حاکمیت ربوبی در نخستین سوره قرآن

وحی الهی با هدف ایجاد تحول در همه‌ی امور، از جمله دولت‌سازی نبوی آغاز گردید. این مهم، تحقق نمی‌پذیرد، مگر این‌که در ابتدا نقشه‌ی راه معین گردد. «براین اساس، مخاطب قرآن با مفاهیمی آشنا می‌شود که هرچند ابعاد و لوازم و مصادیق آن گسترش می‌یابد، اما تکلیف او در رابطه با موضوعاتی که سازنده‌ی هویت دینی است، روشن می‌شود» (بهجت‌پور، ۱۳۸۸: ۱۸۲).

بنابراین، انسان و جامعه نسبت به انتظار خداوند از خویشتن آگاهی یافته و بدین ترتیب هویت امت اسلامی در راستای الگوی دولت‌سازی نبوی طراحی

گردیده است. اولین سوره‌ی نازل‌شده بر پیامبر اکرم(ص) سوره‌ی علق است. سیاق آیات این سوره «آن‌چنان به هم ارتباط دارد که بتوان گفت یک‌باره نازل شده و این سوره به‌طور قطع در مکه نازل شده است» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۴۶).

اولین آیه‌ای که دارای دلالت سیاسی است، آیه‌ی اول سوره‌ی مبارکه‌ی علق (اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ)^۱ است. خداوند در این آیه بر ربوبیت و حاکمیت خود در عالم تأکید کرده است. لازمه‌ی اعلام حاکمیت ربوبی، فرمان‌بری انسان از چنین حاکمی است؛ اما او چنین نمی‌کند و به مقتضای چنین برهانی تن نمی‌دهد! و با احساس غنا، گمان بر بی‌نیازی خود از پروردگار عالم برده و در نتیجه راه گستاخی و طغیان‌گری را در پیش می‌گیرد. از دیدگاه قرآن کریم، مهم‌ترین عامل طغیان‌گری، جهالت انسان نسبت به فقر وجودی خویش است؛ در حالی که قرآن می‌فرماید: «انسان با تمام وجود نیازمند به خداوند است؛ یا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ فَمَا لَهُ عَلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ»^۲ (فاطر: ۱۵). بنابراین، هر جامعه‌ای که توهم غنا و بی‌نیازی به خالق هستی در آن پدیدار شود، سر به استکبار و طغیان‌گری می‌زند.

۲. شیوه‌های گذر از حاکمیت طاغوت

بیان حاکمیت ربوبی و نیز نفی طاغوت - به‌عنوان زیربنای اندیشه‌ای دولت‌سازی نبوی - موجب شد تا طغیان‌گران، که همان صاحبان زر و زور بودند و دولت باطل خویش را در معرض هجوم اندیشه‌های توحیدی می‌دیدند، به آزار و اذیت و مقابله با پیامبر(ص) برخیزند؛ بنابراین، خداوند در گام بعد، شیوه‌های گذر از سلطه‌ی طاغوت را بیان نمود که عبارتند از:

الف. دل‌داری پیامبر(ص) جهت مقاومت در برابر حاکمیت طاغوت (قلم: ۱۵-۱)؛

ب. واگذاری مجازات تکذیب‌کنندگان طاغوتی به خداوند (قلم: ۴۷-۱۶)؛

ج. توصیه‌ی پیامبر به صبر و استقامت (قلم: ۴۸)؛

د. ارائه‌ی برنامه‌ی آماده‌سازی پیامبر(ص) جهت رویارویی با جریان طاغوت

(مزمل: ۱۰-۱) و تأکید مجدد بر حمایت الهی از پیامبر(ص) (مزمل: ۱۹-۱۱).

۱. بخوان به‌نام پروردگارت که جهان را آفرید.

۲. ای مردم! شما محتاج به خدا باشید و خدا تنها بی‌نیاز و ستوده است.

۳. آغاز مبارزه‌ی علنی با ایده‌های طاغوتی

قرآن، برنامه‌ی هدایت بشر بر مبنای تحول و تربیت تدریجی است. بر همین اساس، پس از آن که پیامبر(ص) به تبیین زیربنای حاکمیت ربوبی و راه برون‌رفت از مانع تراشی طغیان‌گران مأمور گردید، در ادامه‌ی رسالت خویش برای تخریب نظام مشرکانه و طاغوتی و جایگزینی ایده‌ها و هنجارهای الهی، مأمور شد تا گام دیگر را به صورت علنی بردارد. به همین منظور در ابتدا در آیات ۷-۱ سوره‌ی مدثر، پیامبر(ص) را امر به قیام و انذار می‌نماید؛ سپس در سوره‌ی حمد ضمن تبیین سه حاکمیت: الهی، مغضوبین و ضالین، به انسان‌ها سفارش می‌کند تا با تنظیم روابط با پروردگار عالم، خود را در زمره‌ی هدایت‌یافتگان به صراط مستقیم - که همان حاکمیت ربوبی است - قرار دهد.

۴. جایگاه راهبری قرآن و پیامبر(ص) در ساخت ایده‌ها

سوره‌ی تکویر، قرآن را به عنوان راهنما برای جویندگان طریق هدایت، جهت گذر از جامعه‌ی طاغوتی به جامعه‌ی نبوی معرفی نمود و بر همین اساس، آن‌ها را با نقش قرآن در شکل‌دهی به شخصیت آدمی آشنا ساخت. این قرآن، می‌بایست توسط کسی بیان گردد که بتواند دغدغه و مقصود اساسی پروردگار برای شکل‌دهی به هویت امت، و در نهایت، الگوی دولت‌سازی نبوی را به درستی تبیین نماید. او کسی نیست مگر پیامبر اکرم(ص). به همین دلیل، خداوند در سوره‌ی اعلیٰ به این مهم پرداخته و اهم وظایف پیامبر(ص) را بیان فرموده است؛ تا بدین وسیله این دغدغه را رفع نماید. در آیات اول تا سیزدهم سوره‌ی اعلیٰ، ابتدا خداوند به پیامبر اکرم(ص) فرمان می‌دهد که «آن جناب، کلام خود را اصلاح کند و از هر چیزی که بویی از شرک جلی و یا شرک خفی دارد، پاک نماید؛ و اسم پروردگارش را منزه بدارد» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۴۱) تا بتواند به یکی از نقش‌های مهم خویش، که همان معصومیت در: دریافت، ابلاغ، حفظ و قدرت تبیین و تفهیم وحی الهی است، جامعه‌ی عمل بپوشاند.

۵. عوامل و موانع رهایی از جامعه‌ی طاغوتی

سیر نزول سوره‌های علق تا لیل، ما را به این نکته می‌رساند که برای رسیدن به الگوی دولت‌سازی نبوی، ابتدا می‌بایست در بنیادهای فکری، فرهنگی و معرفتی

جامعه‌ی طاغوتی و جاهلی تحول ایجاد کرد تا در پرتو آن به جامعه‌ای که خواهان رهایی و رستگاری از ارزش‌های جاهلی باشد، دست یابیم. این مهم به دست نمی‌آید مگر به واسطه‌ی نهادینه‌شدن مفاهیمی چون فقر و جودی انسان به حاکمیت ربوبی، «مسئولیت در برابر او، و نیز ایجاد احساس و انگیزه برای تغییر وضعیت نامطلوب» (بهجت پور، ۱۳۹۴: ۹۳). خداوند متعال در آیه‌ی ۱۶ سوره‌ی اعلی، مهم‌ترین مانع رهایی از ارزش‌های طاغوتی را دنیاطلبی معرفی نموده و رهایی از چنبره‌ی چنین ارزش‌های انحرافی را، که سبب سلطه‌ی حکام طاغوتی بر افراد جامعه می‌شود، وجود انگیزه و محرک بسیار قوی دانسته است. بر این اساس، در آیات ۱۱-۱ سوره‌ی لیل، توفیقات الهی را محرک و عامل رهایی از ارزش‌های طاغوتی بیان نموده و اذعان می‌کند که این مهم به دست نمی‌آید، مگر در پرتو تحول و جوشش در عواطف انسانی؛ که عبارتند از: احسان، تقوای الهی، دوری جستن از بخل و احساس بی‌نیازی از مخلوق. در گام بعد، ضمن تمرکز بر انسان، به آسیب‌شناسی عوامل هدایت و رستگاری انسان در گذر از جامعه‌ی طاغوتی به جامعه‌ی نبوی می‌پردازد. این گام‌ها عبارتند از:

۱. گزینش دنیا در مقابل آخرت به‌عنوان اساسی‌ترین ارزش در گفتمان طاغوتی ظالمانه و مغضوبه (سوره اعلی و سوره حمد)؛

۲. بخل ورزیدن (سوره لیل) و غرق‌شدن در فسادهای اجتماعی و اقتصادی از قبیل بی‌تفاوتی نسبت به ایتمام و مستضعفان، ثروت‌اندوزی و مال‌دوستی (سوره فج)؛

۳. نبودن در دایره‌ی ایمان و عمل صالح و نیز عدم توصیه به صبر و حق‌طلبی به دلیل عدم احساس دلسوزی و مسئولیت در روابط اجتماعی (عصر: ۲-۳)؛

۴. عدم توجه و ناسپاسی نسبت به خداوند (إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ) (عادیات: ۶) و دست‌کشیدن از امور حیاتی به دلیل توجه و تمرکز به امور دنیوی (أَلْهَاكُمْ التَّكَاثُرُ) (تکواثر: ۱)؛

۵. تکذیب روز جزا و بی‌توجهی به عبودیت و حاکمیت ربوبی که نماد آن ارتکاب اعمال ریاکارانه، مزورانه و بخل‌آلود در عرصه‌ی اجتماع و سهل‌انگاری در نماز است (ماعون: ۱-۷).

۶. تبیین صریح و رسمی اصل توحید به مثابه بنیاد اندیشه‌ی حاکمیت الهی

پیامبر اکرم (ص) به عنوان فرستاده‌ی خداوند، مأموریت خویش را در جامعه‌ای با ساختارها و فرهنگ جاهلی و طاغوتی آغاز کرد. به همین دلیل، ضمن شناسایی مؤلفه‌های حاکمیت طاغوت، به ارائه‌ی راهکار جهت گذر از جامعه‌ی طاغوتی، با شیوه‌های انذار و هشدار و نیز آسیب‌شناسی هنجارهای جامعه‌ی جاهلی و بیان ارزش‌های الهی - به عنوان جایگزین - پرداخت. با توجه به مقدماتی که تدریجاً به دست آمد، اکنون مأمور به اعلان صریح و رسمی بنیان‌های عقیدتی و اندیشه‌ای حاکمیت الهی و موضع‌گیری شفاف در راستای نفی حاکمیت طاغوت و ارزش‌های برآمده از آن گردید. نقطه‌ی شروع این مأموریت جدید، سوره‌ی کافرون بود؛ در سوره‌های بعد نیز به تدریج، بنیان‌های اندیشه‌ی حاکمیت الهی تبیین شده است. سوره‌ی توحید در امتداد سوره‌ی کافرون بر پیامبر (ص) نازل گردید. به همین دلیل رسول خدا سوره‌ی کافرون و توحید را "مقشقتان" نیز نامیده‌اند؛ زیرا «این دو سوره، انسان را از شرک و نفاق تبرئه می‌نماید» (طبری، ۱۳۷۲: ۸۵۵).

در راستای نفی جریان طاغوت، ابتدا در سوره‌ی علق، توحید در ربوبیت و خالقیت، و سپس در سوره‌ی توحید، توحید در ذات و صفات بیان گردید. توحید در ذات یعنی «وحدت حقه‌ی حضرتش وحدت حقیقیه است؛ تالی و دومی ندارد و برای او نمی‌توان دومی تصور کرد» (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۲۰). توحید صفاتی نیز به این معناست که صفات خدا از ذاتش جدا نیست؛ بلکه همگی عین ذات‌اند. امام صادق (ع) در این رابطه می‌فرماید: «لَمْ يَزَلِ اللَّهُ جَلًّا وَعَزَّ رَبَّنَا وَ الْعِلْمُ ذَاتُهُ وَ لَا مَعْلُومٌ وَ السَّمْعُ ذَاتُهُ وَ لَا مَسْمُوعٌ وَ الْبَصَرُ ذَاتُهُ وَ لَا مُبْصَرٌ وَ الْقُدْرَةُ ذَاتُهُ وَ لَا مَقْدُورٌ» (صدوق، ۱۳۹۸: ۱۳۹). خداوند متعال در سوره‌ی توحید به معرفی توحید خالص و ناب در راستای تبیین زیر بنای اندیشه‌ای حاکمیت ربوبی می‌پردازد و در سوره‌های بعد، خطر هنجارهای طاغوتی را گوشزد می‌کند. خطرهایی هم‌چون:

الف: پیروی از ظن

یکی از خطرات اساسی جامعه‌ی طاغوتی، تبعیت از ظن و گمان به جای پیروی از علم و یقین است؛ آن‌هم در اساسی‌ترین مسائل مربوط به سرنوشت

انسان، یعنی باری تعالی و مسئولیت انسان در قبال او. به همین دلیل، ضمن رد اتهامات درباره‌ی پیامبر (نجم: ۴-۳) و انتساب فرشتگان و یا بت‌ها به خدا (نجم: ۲۸-۲۷) و نیز نفی امکان برعهده گرفتن بار مسئولیت افراد در برابر خدا از سوی یک دیگر (نجم: ۳۸)؛ بر مسئولیت مستقیم همه‌ی انسان‌ها در مقابل پروردگار تأکید کرده است (نجم: ۴۲-۴۱).

ب: پیروی از هوا و هوس

اهمیت این موضوع به اندازه‌ای است که حتی خداوند متعال مهم‌ترین عامل تبعیت از ظن و توهم را نیز همان پیروی از هوای نفس می‌داند (نجم: ۲۳).

ج: عدم بهره‌برداری از ظرفیت‌های انسانی

رسولان درونی و بیرونی انسان^۱ از جمله ظرفیت‌هایی هستند که خداوند جهت هدایت و پذیرش حاکمیت الهی در اختیار انسان نهاده است. به همین دلیل در سوره‌ی شمس، ابتدا به رسول و هدایت‌گر باطنی - که همان بهره‌برداری از ظرفیت‌های درونی است - اشاره کرده؛ و با ذکر یازده قسم که نشان از اهمیت موضوع دارد، به اختیار انسان در هدایت و شقاوت خویش به وسیله‌ی پیامبر باطن و درون تأکید می‌نماید (شمس: ۱-۱۰). کلمه‌ی "تقوی" نیز که در آیه‌ی ۱۰ این سوره آمده، به معنای حفظ خود از زیان و آسیب (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲۰۳) و نشانه‌ی رسول باطن است. خداوند متعال به وسیله‌ی عقل و فطرت به انسان می‌آموزد که چگونه خویشتن، و در نهایت جامعه، را از شرّ آسیب‌ها و ارزش‌های طاغوتی حفظ نماید؛ اما انسان طاغی به ندای فطرت توجهی نمی‌کند. در ادامه، خداوند متعال، پیامبر و راهنمای بیرون نیز ارسال نمود؛ اما باز هم جامعه‌ی طاغوتی آن را نپذیرفت و در صدد مقابله و حتی نابودی آن برآمد (شمس: ۱۱-۱۵).

۷. شکل‌گیری جامعه‌ی حداقلی مؤمنین

پس از تلاش‌های بی‌وقفه‌ی پیامبر اکرم (ص) برای ایجاد تحول تدریجی در جامعه‌ی طاغوتی مکه، دو "گروه سابق طاغوتی" و "گروه لاحق الهی" پدید

۱. إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ حُجَّةً ظَاهِرَةً وَ حُجَّةً بَاطِنَةً فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأَنْبِيَاءُ ع وَ الْأَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ (کلینی، ج ۱، ۴۰۷: ۱۶).

آمد. اگرچه جامعه‌ی مؤمنین از قدرت محسوس و رسمی برخوردار نیست، اما خداوند از سوره‌ی اعراف تا چند سوره‌ی بعد، توجه خود را معطوف به فرهنگ‌سازی، تقویت و رشد گفتمانی همین گروه حداقلی و نوپا می‌کند؛ آن‌گاه به سه مؤلفه‌ی اساسی فرهنگ‌سازی این گروه نوپا، یعنی عدم پیروی از طاغوت، پذیرش وحی (اعراف: ۲) و رسول‌الهی (اسراء: ۳۶) اشاره می‌نماید. قرآن کریم، یکی از عوامل عدم پذیرش رسالت نبوی توسط جریان طاغوت را غفلت‌زدگی جامعه‌ی طاغوتی می‌داند؛ که گاه به‌خاطر نبودن پیامبران به‌عنوان منذران در جامعه به‌وجود می‌آید (یس: ۶-۷). در همین راستا خداوند با تمرکز بر ادبیات انذار و دو نعمت بزرگ "قرآن" و "رسالت" (فرقان: ۱-۶۲)، به محرک‌های اجتماعی و تأثیرگذار در امر اصلاح باور و ترغیب انسان‌ها به بندگی الهی می‌پردازد.

۸. ظهور رسمی جامعه‌ی حداقلی موحدین

خداوند متعال در سوره‌ی یوسف، جامعه‌ی کوچک و نوپا و مخفی مؤمنین را بر مشیت خود، مبنی بر اعتلای آنان در مقابل طاغوتیان - با همه‌ی قدرت و دشمنی کفار - بشارت داد (یوسف: ۵۷-۷)؛ آن‌گاه ضمن هشدار به آینده‌ی شومی که در انتظار طاغوتیان است (حجر: ۲۵-۱) به تحلیل محاسبات پیچیده و دقیق الهی، مبنی بر عنایت و رحمت خاص خود، بر گروه کوچک مؤمن پرداخت و در نتیجه آن‌ها را مهیای جداسازی و حضور علنی و اعلام فعالیت رسمی افکار و رفتار خود در مقابل گروه پرشمار و مسلط طاغوتی نمود. سپس با دستور «فَأَصْدَعْ^۱ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» (حجر: ۹۴) به ایجاد شکاف در گفتمان مسلط طاغوتی، و ایجاد دو قطب مؤمن و کافر فرمان داد و از مؤمنان خواست که تحت تأثیر آزارهای مشرکان قرار نگرفته و از آن‌ها - و لو با هجرت از سرزمین آلوده به ظلم و شرک مکه - فاصله بگیرند (نحل: ۱۲۰-۹۰).

۹. هجرت؛ گامی مهم در جهت حفظ هویت امت و تحقق دولت

بعد از ظهور رسمی گروه اندک مؤمنین و مخالفت علنی با باورهای مشرکان،

۱. الصَّدْعُ: شکاف و شکستگی در اجسام سخت، مثل شیشه و آهن و مانند آن‌ها (راغب اصفهانی،

۱۳۶۹، ج ۲: ۲۸۱).

سیاست متعالیه

- سال ششم
- شماره بیست و یکم
- تابستان ۹۷

فرآیند دولت‌سازی
نبوی در سوره‌های
مکی مبتنی بر
تفسیر تنزیلی
(۷ تا ۲۴)

آزار و اذیت جریان طاغوتی شدت یافت؛ به‌همین دلیل خداوند متعال با تبیین سرگذشت انبیا و امم پیشین و نیز عذاب دنیوی و اخروی منکران ولایت ربوبی، معاد، قرآن و رسالت نبوی؛ ضمن بیان راهکارهای مقاومت در مقابل حجمه‌های سنگین مشرکان، به تقویت روحیه جامعه‌ی نوپای مؤمن و تحت فشار پرداخت و با نزول سوره‌ی ابراهیم و سوره‌های جدید به معرفی گام‌های تازه اقدام نمود. در این سوره‌ها، اصلاح بینش‌ها و برخی رفتار مردم مورد توجه قرار گرفته شده است. هم‌چنین با اشاره به افراد مدعی ایمان، که در مقابل فشارها عکس‌العمل مناسبی انجام ندادند، به‌ظهور گروه جدید منافق و سرزنش آن‌ها نیز اشاره می‌شود (عنکبوت: ۱۱-۱)؛ آن‌گاه با بیان سرگذشت امت‌های کافرپیشه‌ی گذشته، که با فشار به پیروان انبیای الهی آنان را نسبت به بازگشت به ولایت طاغوت وسوسه می‌کردند، به تهدید شدید کافران پرداخته و ضمن تشبیه حاکمیت غیرالهی به لانه‌ی عنکبوت، به سستی ارکان این نوع حاکمیت تأکید می‌کند (عنکبوت: ۴۴-۱۲).

خدای متعال به‌منظور «آماده‌سازی مردم برای مهاجرت از مکه به مدینه، در بیان داستان لوط از گفته‌ی او (إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي) استفاده کرده است» (بجعت‌پور، پیشین: ۳۷۴)؛ و چون پس از هجرت به مدینه، قطعاً با یهودیان آن‌جا مواجه می‌شوند، خداوند متعال مؤمنین را در رفتار با آن‌ها به جدال احسن - به‌عنوان یکی از ابزارهای پیشبرد اهداف دولت نبوی - توصیه می‌کند و گوشزد می‌نماید که گروهی از یهود به شما ایمان آورده و گروهی نیز راه ستمگری در پیش خواهند گرفت (عنکبوت: ۴۶). پس از این مقدمات، با توجه به فتنه‌انگیزی کفار علیه مؤمنین، «مؤمنان را به هجرت از مکه دستور می‌دهد» (همان: ۳۷۵). مشرکین مکه که از حقوق خویش ذره‌ای نمی‌گذرند و حقوق گروه کوچک مؤمنین را نادیده انگاشته و به آن‌ها ظلم می‌کنند، در این آیات تهدید می‌شوند و سرنوشت شومی که در روز جزا در انتظار آنان است، به آن‌ها گوشزد می‌شود. در مقابل، این آیات مؤمنین را به نائل آمدن به درجات رفیع بشارت می‌دهد (مطففین: ۲۸-۱).

بدین ترتیب خداوند متعال با تشویق گروه مؤمنین به هجرت، گام دیگری در راستای تقویت الگوی دولت‌سازی نبوی - که همان تأسیس و تثبیت دولت رسول‌الله در دوران مدنی است - برمی‌دارد.

نتیجه

هر دولت‌سازی‌ای، در گام نخست، نیازمند ایده‌پردازی و هنجارسازی (به‌عنوان میانی اندیشه) خود است؛ دولت‌سازی نبوی نیز از این امر مستثنی نیست. قرآن کریم در سوره‌های مکی، که نخستین سوره‌های نازل‌شده بر پیامبر(ص) است، به بیان امور تمهیدی و زیربنایی الگوی دولت‌سازی نبوی پرداخته است. در همین‌راستا در اولین سوره قرآن کریم (علق) در آغاز به حاکمیت ربوبی خداوند و سپس به نفی حاکمیت طاغوت پرداخته است. بدین ترتیب، در اولین سوره، مهم‌ترین مبنای فکری و سیاسی دولت نبوی تبیین گردید. پس از آن به مبارزه‌ی مخفی و علنی با بنیاد فکری نظام شرک‌آلود طاغوتی پرداخت. به‌دنبال این اقدام، گروه اندکی از موحدین به‌صورت غیررسمی و پنهان شکل گرفتند؛ اما پس از مدتی، با دستور «فَاَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَاَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» در آیه‌ی ۹۴ سوره‌ی حجر، جامعه‌ی حداقلی و رسمی مؤمنین نیز ظاهر گردید. به‌دنبال این عمل، فشارهای مشرکین بر گروه نوظهور مؤمنین رو به فزونی نهاد. از این رو در اواخر دوران مکی، پیامبر(ص) مأموریت یافت که به‌همراه همین گروه اندک، مکه را به مقصد مدینه ترک نمایند. هجرت به سرزمین مدینه و پیوستن اکثریت اهالی آن‌جا به پیامبر(ص) به تأسیس جامعه‌ی حداکثری مؤمنین منتهی گردید و در نهایت به تأسیس عملی دولت نبوی انجامید.

منابع

- قرآن کریم
۱. زرگر، افشین (۲۰۰۳). مدل‌های دولت - ملت‌سازی؛ از مدل اروپایی تا مدل اوراسیایی، فصلنامه‌ی تخصصی علوم سیاسی، سال چهارم، شماره هفتم.
 ۲. امینیان، بهادر و کریمی قهرودی، مانده (۱۳۹۱). استراتژی دولت - ملت‌سازی آمریکا در افغانستان، فصلنامه‌ی علمی، پژوهشی دانش سیاسی.
 ۳. مصطفوی، حسن (۱۳۹۱). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم (ج ۱۳). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
 ۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۶۹). مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن. ترجمه: غلامرضا خسروی حسینی (ج ۲). تهران: مرتضوی.
 ۵. نکونام، جعفر (۱۳۸۰). درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن. تهران، نشر هستی‌نما.

۶. دال، رابرت (۱۳۶۴). تجزیه و تحلیل جدید سیاست. ترجمه: حسین ظفریان. تهران: نشر مترجم.
۷. فیرحی، داوود (۱۳۹۱). رهبری و حکومت در اندیشه‌ی شهید بهشتی؛ «نظریه امت و امامت». فصلنامه‌ی سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۲، شماره ۱.
۸. العلوانی، طه جابر (۱۹۹۹). مقدمة فی اسلامیة المعرفة (ج ۱۸). قم: موسسه الاعراف للنشر.
۹. حاتمی، عباس (۱۳۹۰). نظریه‌های مختلف دولت‌سازی: به سوی یک چارچوب‌بندی نظری، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ششم، شماره سوم.
۱۰. علیخانی، علی‌اکبر (۱۳۸۸). مبانی نظری هویت و بحران هویت. تهران: جهاد دانشگاهی.
۱۱. ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۷۳). مبانی سیاست. تهران: نشر توس.
۱۲. تیجانی، عبدالقادر حامد (۱۳۸۹). مبانی اندیشه‌ی سیاسی در آیات مکی. ترجمه و تعلیق: مهران اسماعیلی و مشتاق الحلو. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۳. بهجت‌پور، عبدالکریم (۱۳۸۷). همگام با وحی؛ نخستین تفسیر جامع شیعی به ترتیب نزول قرآن (ج ۱). قم: سبط النبی (چاپ دوم).
۱۴. _____ (۱۳۹۴). شناخت‌نامه‌ی تنزیلی سوره‌های قرآن کریم. بی‌جا: تمهید.
۱۵. _____ (۱۳۹۲). تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول)؛ مبانی، اصول، قواعد و فوائد. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۶. _____ (۱۳۸۹). رویکردی نو در تفسیر بر اساس ترتیب نزول، پژوهش‌های قرآنی، تابستان و پاییز ۱۳۸۹، شماره ۶۲-۶۳.
۱۷. _____ (۱۳۸۸). درآمدی بر اصول تحول فرهنگی (با الهام از نزول تدریجی قرآن). قم: بوستان کتاب.
۱۸. فراتی، عبدالوهاب (۱۳۹۰). درسنامه‌ی سیره سیاسی نبوی (مبانی، حکومت و رفتار سیاسی). تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۹. طبرسی، فضل ابن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (ج ۳). تهران: ناصر خسرو.
۲۰. رحیمی، غلامرضا (۱۳۹۳). حقوق ملت و دولت از دیدگاه اسلام و لیبرال، فصلنامه سیاست متعالیه، شماره ۷.
۲۱. خامه‌گر، محمد (۱۳۸۹). شبکه‌ی معنایی موضوعات قرآن؛ «معرفی شش رویکرد در تفسیر موضوعی قرآن کریم»، فصلنامه‌ی پژوهش‌های قرآنی، شماره ۶۲-۶۳.
۲۲. ابن بابویه، محمد ابن علی (۱۳۹۸ق). التوحید. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۳. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.

۲۴. _____ (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان، مترجم: محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی (چاپ ۵).
۲۵. معرفت، محمدهادی (۱۳۷۷). تاریخ قرآن. تهران: سمت.
۲۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۳). مقدمه‌ی علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران. تهران: شرکت انتشار با همکاری بهمن برنا (چاپ ۱۸).

فصلنامه
علمی
پژوهشی

سینا